

اسلام

پناهگاه جوامع بشری

چرا؟... و چگونه؟...

مؤلف:

دکتر محمد سعید رمضان البوطی

مترجمان:

دکتر فرزاد پارسا

دکتر عبدالأحد غیبی



انتشارات کردستان

سنندج

www.ketab.ir

Buti, Muhammad Said Ramadan	بوطی، محمدسعید رمضان :
الاسلام ملاذ کل المجتمعات البشريه . فارسی	عنوان قراردادی :
اسلام پناهگاه همه ی جوامع بشری چرا ... و چگونه ... ؟ / نویسنده محمدسعید رمضان البوطی ؛ مترجم فرزاد پارسا.	عنوان و نام پدیدآور :
سنندج : کردستان ، ۱۳۹۰.	مشخصات نشر :
۲۶۲ ص.	مشخصات ظاهری :
978-964-980-058-5	شابک :
فیبا	وضعیت فهرست نویسی :
اسلام	موضوع :
اسلام -- بررسی و شناخت	موضوع :
پارسا، فرزاد. ۱۳۵۸ - ، مترجم	شناسه افزوده :
BP ۱۱/ب ۱۸۷۵ الف ۵۰۴۱ ۱۳۸۷	رده بندی کنگره :
۲۹۷	رده بندی دیویی :
۵۲۷۹۴۲۱	شماره کتابشناسی ملی :

تمام حقوق مادی و معنوی این کتاب بدین شیوه‌ی حاضر محفوظ و مخصوص انتشارات کردستان (سنندج) است و هرگونه تجدید چاپ یا استفاده‌ی الکترونیکی و دیجیتالی از آن، بدون اطلاع و اجازه‌ی ناشر، ممنوع و خلاف اصول شرعی و اخلاقی و قابل پیگرد قانونی است.



انتشارات کردستان

Kurdistan Publication

سنندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۳۸۲ ۳۶۵ ۲۲

اسلام، پناهگاه جوامع بشری

نام کتاب:	اسلام، پناهگاه جوامع بشری
مؤلف:	دکتر محمد سعید رمضان البوطی
مترجمان:	دکتر عبدالأحد غیبی - دکتر فرزاد پارسا
تصحیح:	فرید قادری
نوبت چاپ:	اول: ۱۳۹۰
تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
تعداد صفحه و قطع:	۲۶۴ صفحه‌ی وزیری
ناشر:	انتشارات کردستان

شابک: ۵ - ۰۵۸ - ۹۸۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 980 - 058 - 5

قیمت:

۴۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	 سخن مترجم
۹	 مقدمه‌ی مؤلف
۱۷	✓ بخش اول: ضرورت اسلام برای جوامع بشری
۱۸	 دلیل ضرورت اسلام برای جوامع بشری
۲۳	 چگونگی ضرورت اسلام برای جوامع بشری
۳۱	 علت ناکامی مکاتب انسانی دیگر
۳۹	 کوتاه‌ترین راه رسیدن به اسلام در عصر حاضر
۴۹	 دین برای دنیا یا دنیا برای دین؟
۶۰	 دین حق و هوا و هوس مردم
۶۷	 اسلام بدون بندگی برای خداوند معنا ندارد
۷۵	✓ بخش دوم: مشکلات اندیشه‌های معاصر در ترازوی اسلام
۷۶	 آشنایی با ترازوی اسلام
	 کسانی که علم را خدای خود قرار می‌دهند در سُرّانواع جهل و نادانی گرفتار می‌شوند
۸۲	

- آیا واقعاً دیالکتیک باعث حرکت و تحول در طبیعت تاریخ است؟ ۹۰
- آیا آزادی واقعاً جوهر و اصل وجود انسان می باشد؟ ۹۶
- حوا از دنده‌ی آدم خلق شده است ۱۰۳
- شهاب‌ها و تفسیر قرآن از علل فرو ریختن آن‌ها ۱۱۳
- مسأله‌ی بارورسازی جنین در خارج از رحم؛ مشکلات و حکم آن ۱۱۸
- «سخنان یهود و عجیب در لباس تفکر جدید» ۱۲۶
- ✓ بخش سوم: مشکلات فهم و تفسیر قرآن ۱۳۹
- کشاندن قرآن به طرف علوم جدید و دور کردن آن از این علوم ۱۴۰
- قرآن و نظریه‌ی تکامل ۱۴۹
- موضع‌گیری من در قبال نویسنده‌ی تفسیر معاصر قرآن ۱۵۹
- بازگشت به نویسنده‌ی تفسیر معاصر قرآن ۱۷۰
- ✓ بخش چهارم: مشکلات تقلید و بدعت ۱۷۹
- هر چیز جدیدی بدعت نیست ۱۸۰
- تربیت وجدانی در بین مشکل بدعت و عدم اتباع ۱۹۰
- ✓ بخش پنجم: مشکلاتی در تاریخ و جامعه ۲۱۱
- آیا برپایی جامعه‌ی اسلامی بر اساس یک روش انقلابی ممکن و میسر است؟ ۲۱۲
- تاریخ اسلامی ما و بهتان‌های چسبیده به آن ۲۲۲
- آری... مشکل ما اخلاقی است نه فکری ۲۳۴
- حاصل نمی‌شود و نقطه‌ی مشترک جز اسلام وجود ندارد ۲۴۳
- حج نیز مشکلاتی دینی و اجتماعی دارد ۲۵۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن مترجم

انسان امروزی به ویژه در جوامع پیشرفته که در دنیا و مافیها غرق شده و از خود و اطرافیانش بیگانه شده است، اندک زمانی است که در این تنهایی هولناک زندگی ماشینی و خالی از عاطفه و معنویت خفته است و به این حقیقت یقین یافته که مادیات به تنهایی نمی‌تواند روح تشنه و نیازمند او را سیراب کند و از این رهگذر است که طنین گام‌های معنویت در گوش و جانش به صدا درآمده است. او به دنبال ملجاء و پناهگاهی است تا خاطر رمیده و پریشان‌ش دمی در آن بیارامد و لحظاتی هر چند کوتاه از دنیا و تعلقات ملال‌آور آن فاصله بگیرد. اما تنها چشمه‌ساری که می‌تواند روح او را سیراب و خاطر مشوش و حزینش را به سر منزل اطمینان و آرامش برساند، دین است. از این رو تشنه به سوی ادیان الهی که در طول اعصار مختلف غبار فراموشی بر چهره آن‌ها نشسته است روی می‌نهد؛ اما چه سود که دیگر این ادیان در اثر عوامل مختلفی چون تحریف و تأویل و استفاده ابزاری در دست برخی مردمان سودجو... نه تنها کارآیی خود را از دست داده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد از اعتماد انسان‌ها به آن‌ها نیز کاسته شده است. در این میان تنها اسلام است که از رهگذر عمل به احکام و قوانین آن می‌تواند ضامن تأمین ابعاد مختلف نیازهای انسان باشد و انسان در سایه سار نظارت آن می‌تواند این توانایی را پیدا کند که تمدن معاصر خود را از گزند نابودی و فنا نجات دهد.

به منظور تحقق این مقاصد از سوی اسلام، ضروری است که این دین به طور کامل و همه‌جانبه به آن جوامع معرفی شود تا آن‌ها بتوانند به حقیقت آن یقین قلبی پیدا کرده و بر

تکیه‌گاه قرار دادن آن از سوی خود اطمینان حاصل کنند. کتاب «اسلام پناهگاه تمامی جوامع بشری» اثر دکتر محمد سعید رمضان‌البوطی از نخستین و مهم‌ترین گام‌هایی است که برای نیل به این هدف برداشته شده است و حاکی از تلاش‌های بی‌وقفه‌ی نویسنده و دغدغه‌های دلسوزانه‌ی وی در باب مسایل اسلامی است.

این کتاب تلنگری است بر خاطر زنگ زده برخی مسلمانان تا به خود بیایند و به شناخت خود از اسلام واقعی ژرفا بخشند. در مجموع تلاش این نویسنده‌ی دانشمند و فاضل در عرصه‌ی معرفی اسلام و بازگو کردن مشکلات فرا راه اسلام و مسلمین و ارائه‌ی راه‌حل‌های صائب و کاربردی برای رفع آن مشکلات و معضلات، بس ستودنی و جای تقدیر است. به امید آن روزی که تمامی مردم دنیا با بینش و بصیرت ایمان بیاورند و پرچم اسلام بر تمامی این کره‌ی خاکی سایه بپفکند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی مؤلف

روی سخنم در بخش‌های اساسی این کتاب با کسانی است که از نوبه اسلام چشم دوخته‌اند و به کسانی که می‌توانند اسلام را به ایشان بشناسانند، گوش فرا می‌دهند، خواه این افراد در سرزمین‌های مسلمان‌نشین عربی و اسلامی با تابعیت شکلی و صوری اسلام زندگی کنند و خواه بیگانگانی باشند که رابطه‌ی قبلی با اسلام ندارند.

من از میزان موفقیت خود در انتخاب روش یا اسلوبی که متناسب با نیازهای فکری ایشان باشد و به سؤالات و مشکلات روحی و روانی آنان پاسخ دهد و متناسب با اولویت‌های اسلامی - که پرداختن به آن‌ها در حال حاضر قبل از پرداختن به دیگر امور واجب است - باشد، چیزی نمی‌دانم. من اعتقاد دارم که اگر قصد بررسی دقیق و موشکافانه‌ی این امر شود و رهروان این راه بخواهند در آن به منتهای مطلوب خود برسند، راهی سخت و دشوار پیش‌رو خواهند داشت.

اما باید دانست این گروه از مردم امروز، نیاز بیشتری به این امر دارند که در مورد حقیقت اسلام با آنان صحبت کنیم و ساختمان کلی و فراگیر آن، میزان ارتباط آن با ذات و هستی انسان و گستره‌ی نیاز جامعه بشری به آن را برایشان به تصویر بکشیم و با روش علمی و نظام‌مند و قانع‌کننده، دلایل این موضوع را برای آنان بیان کنیم. اگر این علم یا احساس من درست باشد، پس بر همه‌ی ما واجب است که به نیکی با آنان به گفتگو بنشینیم و این همان چیزی است که به امید توفیق الهی در فصل‌های اساسی و اولیه‌ی این کتاب بررسی خواهد شد.

ممکن است بعضی از خوانندگان تصور کنند که این جهت‌گیری من به دلیل بدینی از وضعیت موجود مسلمانان و ناامیدی از اصلاح آنان و نادیده گرفتن مسأله‌ی بیداری اسلامی باشد که امروزه در سراسر آفاق سرزمین‌های اسلامی انتشار یافته است. اما به حمد خدا من بدین نیستم. هرچند مسلمانان بر سر راه الهی دچار لغزش و از آن منحرف شوند و هر مقدار دچار مصیبت‌ها و مشکلات باشند، اما باز امید به فضل خداوند، بزرگ‌تر از همه‌ی آن مصایب و لغزش‌ها است، چه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَا يَتَأَسُّ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾^۱.

«فقط کافران از رحمت خداوند ناامید می‌شوند».

پیامبر ﷺ هم می‌فرماید: «مَثَلُ امْتِنَ، مَثَلُ بَارَانِ اسْتِ چِه معلوم نیست اول آن خیر است یا آخر آن».^۲

ما آرزوی خیر را فقط به یک جهت معین منحصر نمی‌کنیم و چیزی از حکمت و سیاست خداوند در مورد اصلاح حال بندگانش نمی‌دانیم. شرط اصلاح حال مسلمانان این نیست که اصلاح از خود آنان شروع شود و خیر در سرزمین خودشان برایشان ظاهر شود و علایم و بشارت‌های بیداری آنان با بیدار ساختن درونی‌ای باشد که در میان آنان روی می‌دهد.

گاه خداوند این امت را با اصلاح حالش و بیدار ساختن درونش و بازگشت دادنش به حس افتخار به آیین خود مورد توجه قرار می‌دهد. اما بنا به دلیلی نامعلوم، حکمت او ایجاب کرده که بیداری غرب از خواب گمراهی و آگاهی فکری و روانی آن نسبت به حقایق اسلامی که امروزه پیشانی علم و منطق در برابر آن سر تعظیم فرود آورده است، بیدار کننده و انگیزه‌ی این امر باشد.

و چون این امر راه رحمت الهی برای این امت باشد، پس بهترین و نیکوترین راه است و نشانه‌های اولیه‌ی این رحمت - چنان که برای اهل بصیرت آشکار است - طلوع روشنایی صادق و تابناک آن را اعلان می‌کند.

با این وجود، فرض من بر این است که خواننده پیوسته از من خواهد پرسید: چرا مسلمانان را مورد خطاب قرار نمی‌دهی تا راه اسلام خود را که کم و بیش در آن گام‌هایی

۱. بوسف؛ ۸۷.

۲. به روایت ترمذی و دارقطنی از انس به صورت مرفوع.

برداشته‌اند به کمال رسانند؟ و به جای آن‌ها کسانی را که از اسلام به دور بوده و حتی یک گام اساسی را در راه آن نپیموده‌اند مورد خطاب قرار می‌دهی؟ آیا در به کار بردن سعی و تلاش با مسلمانان برای رسیدن به هدف مطلوب امید بیشتری وجود دارد یا در به کار بردن سعی و تلاش با دیگران؟

جواب این است: معیار این امر همان احساس نیرومند باطنی است که بر نفس و جان سیطره دارد، نه واقعیت محسوس و قابل رؤیت. یک گم‌گشته و سرگردان در بیابان‌های مهلک اگر احساس کند که در اطراف وی - و در مکانی نامعلوم - راهی امن وجود دارد که می‌تواند او را به مقصدش برساند و او آن را گم کرده است، حتی به یادآوری یک کودک گوش فرا می‌دهد و به تمام کسانی که به او در راه نجات از آن مشکل به نوعی کمک کنند، با اظهار تشکر متوسل می‌گردد. اما چه بسا که انسانی که در راه خود به دنبال روش سالم است، آن راه را رها کند و در اجابت هوای نفس به معنای زیبا و با مناظر فریبنده تغییر مسیر دهد و از راه سابق خود منحرف شود و در آن چاردر حالی که هنوز مست لهو و لعب خویش و غافل از کار خود است، شب بر او فرا رسد و با هشدار و نصیحت هیچ ناصح و بیدارگری به خود نمی‌آید و گوش نمی‌دهد؛ چرا که او فرزند راه و از اهالی آن مکان است و نیازی به راهنمایی و هدایت ندارد و از این لهو و لعب بیدار نمی‌شود، مگر با فریادهای راهنمایی که اطراف وی را گرفته‌اند و احاطه‌اش کرده‌اند و به این ترتیب او قربانی سبکسری و تکبر خود می‌شود.

این معیار خود مصداق وضعیت بسیاری از مسلمانانی است که راه را شناخته‌اند و خود را نیازمند به یادآوری و نصیحت کسی نمی‌بینند و نیز مصداق وضعیت بیشتر کسانی است که خارج از چهارچوب اسلام و آواره از مسیر آن هستند، چه آن‌هایی که داخل سرزمین‌های اسلامی‌اند و چه کسانی که خارج از قلمرو آن به سر می‌برند. آنان به خاطر گردنکشی و استکبار خود از حق محروم می‌شوند و اینان به خاطر اشتیاق به حق و صداقت در جستجوی آن به حق دست می‌یابند.

این معیار تنها جزئی از معنای وسیع و بزرگ این بیان ابن‌عطاءالله سکندری در حکمت‌های مشهورش می‌باشد که می‌گوید: معصیتی که خواری و شکستگی به دنبال آورد، بهتر از طاعتی است که موجب استکبار و به خود بالیدن گردد.

بیداری اسلامی که امروزه در اندیشه‌ی جوانان مسلمان در کشورهای عربی و اسلامی جریان دارد، خطری از بیرون سرزمین‌های اسلامی به‌سان خطر موجود از جانب خود مسلمانان آن را تهدید نمی‌کند، منظورم کسانی است که به خوبی بر امواج گوناگون و رونده به مسیرهای مختلف سوار می‌شوند تا همواره خود را ارشادگر و راهنما قرار دهند. نگاه کن که چگونه تلاش می‌کنند از راه واحد اسلامی راه‌های مختلفی ایجاد کنند و چگونه مشکلات و همی را از اعماق خیال‌های توخالی بیرون می‌کشند و به دنبال راه حل اسلامی برای مشکلات واقع نشده هستند. این‌ها همه به این خاطر است که دید صاف و بی‌آلایشی را که در پیش روی نسل جدید و بیدار شده قرار دارد، از بین ببرند و پرده‌ای از مه اضطراب و هرج و مرج و تضاد را بر راه عریض اسلامی که امروزه توده‌ی عظیم این نسل می‌خواهند در آن قدم بگذارند و رو به سوی آن نهاده‌اند، قرار دهند و نشانه‌ها و مرزهای آن را از پیش روی آنان بردارند.

دشمنان سنتی اسلام آن قدر از دست این گروه‌های کثیری که در خارج از مرزهای جهان اسلام مسلمان می‌شوند عصبانی نیستند که بسیاری از مسلمانان سنتی خشمگین. آنان اگر بتوانند خشم خود را با تمسخر بیان می‌کنند و اگر شرایط برایشان مهیا باشد، با جدل و بگو مگوی باطل آن را اظهار می‌دارند و در غیر این صورت سکوت دردناکی پیشه می‌سازند که ضعیف‌ترین نوع ایمان است.

در کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی که در سال ۱۹۷۸ م در الجزایر برپا شد، دکتر موريس بوكای دانشمند و پزشک فرانسوی سخنرانی باارزشی را در مورد اعجاز علمی قرآن ارائه داد. در آن وقت وی تألیف کتاب خود را با عنوان، (دراسة الكتب المقدسة في ضوء المعارف الحديثة) به پایان رسانده بود و چاپ اول آن به زبان فرانسوی در اروپا منتشر شده بود. در آن هنگام در سالن سخنرانی افراد غیرمسلمان و خاورشناسان زیادی حضور داشتند، اما به یاد ندارم که در آن جمع یک نفر از آنان به‌پا خاسته و در مورد سخنرانی و یا کتاب دکتر بوكای به مناقشه و مخالفت پردازد.

اما سیل عظیمی از مسلمانان سنتی که در سالن نشسته بودند، با انتقادات کوبنده به او هجوم بردند و اقدام به تمسخر و سبک جلوه دادن سخنرانی او کردند و تأکید می‌کردند که

اسلام نیازی به پژوهش و دفاع او ندارد و می‌گفتند که برای او همان بهتر که به طبابت و اداره‌ی بیمارستانش بپردازد. کاش آنان در مسأله‌ای از او خطایی می‌گرفتند و یا او را از گمراهی‌اش آگاه می‌ساختند... این کار آنان در واقع خشم از این امر بود که اسلام بر زبان یک دانشمند فرانسوی واقع‌گرا که همه به عملش اعتراف دارند مورد تأیید قرار بگیرد. در آن هنگام همه‌ی دانشمندان غیرمسلمان و خاورشناسان به این صحنه نگاه می‌کردند و در آن تأمل می‌نمودند.^۱

مدتی پیش من در مورد اسلام آوردن اندیشمند چپ‌گرای فرانسوی روزه‌گارودی با یکی از این مسلمانان سنتی صحبت می‌کردم. او خشمگینانه از من روی برگرداند و موضوع بحث را عوض کرد و اگر می‌توانست، خشم خود را در مقابل من آشکار می‌ساخت. اگر به سخنان این دسته از مسلمانان بیگانه از اسلام و سعادتشان به انتساب به آن گوش فرا دهی، خواهی دید که آن‌ها از آلودگی‌های تمدن غربی و بلا و مصایب آن به شدت دل‌زده‌اند و در سرزمین خودشان با علاقه‌مندی زایدالوصفی غربت سلوک اسلامی را در آغوش گرفته‌اند. اگر به سخن مسلمانان سنتی که به میراث آبا و اجداد خود مباهات می‌کنند، گوش فرا دهی، می‌بینی که از غربتی که در نتیجه‌ی انتساب خود به اسلام دچار آن شده‌اند، رنج می‌برند و با بی‌صبری تمام منتظر روزی هستند که اسلام به دست اصلاحگران و تلاشگران آن از عقب‌ماندگی و رکود رهایی یابد و با تمدن غربی در قالب شخصیتی واحد هماهنگ و متحد شود.

ای خواننده‌ی گرامی، حال با توجه به این مباحث که ذکر شد آیا شایسته نیست که از گفتگوی بیهوده با این سنت‌گرایان روی برگرداند و توجه خود را معطوف کسانی داشت که در جستجوی کسی هستند که حقیقت اسلام را به ایشان بشناساند، در حالی که پیش از این سخنان ضد و نقیضی در مورد اسلام شنیده‌اند و از مسلمانان حالانی را دیده‌اند که غم و اندوه قلبی را برمی‌انگیزد، تا از این رهگذر آن چنان که ماکت یک مجموعه‌ی عمرانی یا موقعیت یک شهر بزرگ در مقابل دیدگان تماشاگران قرار داده می‌شود یک هیأت و ترکیب

۱. دکتر موریس بوکای مستشرق نیست، بلکه او مسلمان است و ایمان دارد به این‌که قرآن کلام خدا و محمد رسول خداست و تمام پیامبران بر حق هستند، اما کتاب‌هایشان در طول زمان تحریف شده و بین آن کتاب‌ها و قرآن تعارضی جعلی به وجود آمده است.

کلی و کاملی از این دین را پیش روی آنان قرار دهیم؟

کسی چه می داند؟ شاید تنها کلید گشودن قلب های مسلمانان به روی حقایق اسلام و بازگشت صادقانه به آن، این باشد که بنگرند و ببینند که فتح اسلامی از غرب رو به آنها آورده است و میان آنان و زرق و برق تمدن غربی به دست خود غرب فاصله ایجاد شده است.

بیش از پنجاه سال پیش نابغه و متفکر عصر، بدیع الزمان نورسی گفت: «خلافت اسلامی آبستن است و روزی الحاد و بی دینی از آن متولد می شود و کشورهای اروپایی آبستن هستند و روزی اسلام از آن متولد خواهد شد».

در هر حال هر گفتگویی که شایسته است افرادی که به اسلام توجه دارند مخاطب آن واقع شوند، برای مسلمانان (به خصوص نسل جدید) دارای فایده ی بزرگی می باشد. اما تمام آنچه که شایسته است خطاب به این مسلمانان باشد، نمی تواند برای کسانی که به تازگی به فهم حقیقت اسلام چشم دوخته اند، مفید واقع شود. پس چه بهتر که بحث ما از اسلام سودمندتر و در دایره ای گسترده تر باشد.

محور اصلی این کتاب بر یک بحث اساسی دور می زند و آن بیان این نکته است که اسلام ضرورتی جدی و گریزناپذیر برای تمام جوامع مختلف انسانی است و کلیه ی کسانی که در این جوامع هستند به شرطی که از تعصب ذاتی و امیال نفسانی دور شوند، توان درک این امر را دارند.

این بحث را در چند فصل مورد بررسی قرار داده ام و سپس به مشکلاتی پرداخته شده که - چنان که برخی افراد گمان می برند - در راه اجرای اسلام وجود دارد.

اولین و مهم ترین این مشکلات، مکاتب فکری معاصر هستند. بحث درباره ی این مشکلات به صورت یکسان برای پژوهشگر غربی و برای مسلمانان معاصر حائز اهمیت است؛ زیرا مسلمانان ساکن در سرزمین های اسلامی - جز آن دسته که خدا ایشان را در کنف رحمت خود قرار داده است - در مقابل این مکاتب فکری خضوع و انقیاد بیشتری نسبت به غربی هایی دارند که این مکاتب در سرزمین آنان نشأت یافته اند.

مشکل دوم مربوط به فهم قرآن و تفسیر آن است، چه مسلمانان سنت‌گرا همواره از نظر کیفی از راه تفسیر قرآن، آن‌گونه که خوشایندشان باشد، وارد می‌شوند تا این فرصت برای ایشان فراهم گردد که بدون این‌که متهم به خروج و دور شدن از مرزهای اسلامی شوند، اسلام را در همان راهی که دوست دارند حرکت دهند.

مشکل سوم مسأله‌ی تقلید و بدعت‌گرایی است که کسانی که خود را منسوب به سلفیت می‌کنند، به آن دامن می‌زنند. این مشکل ابعاد زشت و ناپسندی به خود گرفته و آثار زیانباری از سردرگمی و سرگردانی در اذهان تازه مسلمانان برجای گذاشته است.

مشکل چهارم مربوط به جامعه و تاریخ است. مشکلات تاریخی را دسیسه‌گران حرفه‌ای در تاریخ اسلامیان به وجود آورده‌اند و بیشتر آنان خاورشناسانی هستند که برای ادای این مسئولیت با حکومت‌های خود دست به یکی کرده‌اند و تاریخ عربی و اسلامی را به صورتی زشت به مسخره گرفته‌اند و اطراف آن را با چیزهایی شبیه به مین‌هایی که به صورت پنهانی در راه‌های امن به کار گذاشته می‌شوند، پر کرده‌اند و متأسفانه از طرف بسیاری از مسلمانان سستی مورد قبول و تشویق قرار گرفته است.

شان مشکلات اجتماعی این است که با دگرگونی اوضاع و احوال جامعه، بیشتر می‌شوند. باید گفت که خود این مسأله به خودی خود مشکل محسوب نمی‌شود، بلکه مشکل آن‌جاست که اندیشمندان و علمای اسلامی این مشکلات را بر طبق احکام ثابتی که خداوند آن‌ها را برای حل این مشکلات و امثال آن‌ها برپا داشته است، مورد بررسی قرار نداده و به حل آن اقدام نکنند.

بدیهی است که من جزئیات این مشکلات چهارگانه را بررسی نکرده‌ام، چه پرداختن به آن‌ها زمانی طولانی می‌خواهد، و در عین حال به این تفصیل و بحث و بررسی نیاز محسوسی وجود ندارد. اما باورم بر این است که مهم‌ترین این مشکلات را ذکر کرده‌ام و سعی کرده‌ام که برای آن‌ها به راه‌حل‌های روشن و قابل قبولی دست یابم.

من چنان‌که می‌گویند بعضی از این مشکلات را به صورت میدانی (دوره‌ای)، یعنی در مناسبت‌هایی زنده که این مشکلات مطرح شده است، حل کرده‌ام، مانند آن فصولی که در آن‌ها مشکلات فهم قرآن و تفسیر آن را حل کرده‌ام. اما نگارش بسیاری از این فصول توأم با

آماده‌سازی منابع این کتاب انجام گرفته است.

امیدوارم که این کار علمی اخیر من در میان سلسله کارهای علمی و نوشتاریم نزد خداوند در کارنامه‌ی اعمالم ثبت گردد و با فضل و کرم خود آن را با وجود نقایص و کاستی‌هایش بپذیرد.

درباره‌ی میزان موفقیت خود در رسیدن به هدف مطلوب چیزی نمی‌دانم و این با گذشت زمان آشکار می‌شود. به درستی که توفیق در هر کاری به خدا برمی‌گردد.

دمشق ۱۸ ذی‌الحجه ۱۴۰۲ هـ (۱۶ اکتبر ۱۹۸۲ م)

محمد سعید رمضان البوطی

www.ketab.ir